

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 1, (Serial. 29), Autumn 2021 & Winter 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Rational and Narrative Reasons for Permission to the Discounted Interpretation of the Holy Quran

DOI: 10.30497/qhs.2021.239797.3157

Majid Karbasiririshan *

Received: 27/11/2020

Mehdi Mehrizi **

Accepted: 27/07/2021

Sayed Mohammad Ali Ayazi ***

Kazem Ghazizadeh ****

Abstract

Interpretive styles, such as discount interpretation, play a role in discovering a serious divine purpose. There is no doubt that there is no reason to monopolize the understanding of the Qur'an in the style of the current Mus'haf. The problem of this research is that the rationale and principles of discount interpretation as one of the interpretive styles are based on what rational and narrative arguments. A descriptive analytical study of the evidences of this issue indicates that the ijthad of the order of the Mus'haf, the lack of impediment to the confinement of the arrangement of the Surah for interpretation based on the order of revelation, the prohibition of the Shari'a, the communicative and educational biography of the Prophet, the Mus'haf of Amir al-Mu'minin The Ahl al-Bayt in the order of revelation and the citations of the Imams in the order of revelation in the interpretation are the arguments of the proponents to prove the religious permissibility of this style. Maximum observance of the principles of discount interpretation such as: pivotal guidance, reliance on the Qur'an in understanding, gradual revelation, interference of verses in Surah, etc. provides an efficient and responsive interpretation.

Keywords: *Interpretive methods, discounted interpretation, order of revelation, Mushaf of Imam Ali (PBUH).*

* PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

karbasforosh@gmail.com

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

toosi217@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ayazi1333@gmail.com

**** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

k.ghazizadeh@modares.ac.ir



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹

پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۳-۷۲

مقاله علمی - پژوهشی

ادله جواز عقلی و نقلی تفسیر نزولی قرآن کریم

DOI: 10.30497:qhs.2021.239797.3157

مجید کرباسی فروشان* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

مهدی مهریزی** مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

سیدمحمد علی ایازی***

کاظم قاضی زاده****

چکیده

سبک‌های تفسیری، همچون تفسیر تنزیلی، نقش طریقی برای کشف مراد جدی الهی دارند. تردیدی نیست که هیچ دلیلی بر انحصار فهم آیات قرآنی به سبک ترتیب مصحف فعلی وجود ندارد. مسئله این پژوهش آن است که ضمن تأکید بر انتخاب روش روایت محور در مطالعات تفسیر تنزیلی و با رویکردی متفاوت، به بیان منظومه فکری مفسران قائل به فایده‌مندی سبک تفسیر تنزیلی پرداخته و ادله عقلی و نقلی جواز تفسیر تنزیلی به‌عنوان یکی از سبک‌های تفسیری را مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ادله نقلی جواز سبک تفسیر نزولی عبارت است از: سبک نگارش مصحف امام علی (علیه السلام)، روایات عدم منع از تفسیر تنزیلی، ابلاغ و تعلیم وحی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). مهم‌ترین ادله عقلی نیز عبارت است از: عدم انحصار روش‌های شناخت و تفسیر قرآن، ترتیب توقیفی یا اجتهادی سور و وجود قرآن به‌مثابه یک موجود زنده که در بستر نزولش شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی

روش‌های تفسیری، تفسیر تنزیلی، ترتیب نزول، مصحف امام علی (علیه السلام).

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. karbasforosh@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) toosi217@gmail.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ayazi1333@gmail.com

**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. k.ghazizadeh@modares.ac.ir

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

طرح مسئله

دیدگاه‌های مختلفی در مورد نزول آیات و سور قرآنی وجود دارد که ناشی از وجود ادله عقلی و نقلی بر آن دیدگاه است. این ادله که در قرآن و روایات با تعبیرهای گوناگون از نزول قرآن و آیات و مراحل آن سخن می‌گویند. به‌عنوان نمونه در آیات «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (بقره: ۱۸۵ و بقره: ۹۷)، «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف: ۴) و «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ. فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج: ۲۲-۲۱؛ واقعه: ۷۸-۷۷) به مرحله اول نزول قرآن، یعنی نزول در لوح محفوظ اشاره شده است. این نزول در حیطه علم غیب الهی و فراتر از عقل بشر است. یعنی عظمت قرآن، در حیطه الفاظ و جملات، و معانی و مفاهیم محصور نمی‌شود.

در آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ...» (دخان: ۳؛ قدر: ۱؛ فرقان: ۳۲؛ شعراء: ۱۹۳) در مرحله دوم به نزول تدریجی اشاره شده است که دارای شواهد عقلی، نقلی و تاریخی همچون آیات و روایات متعدد است. نزول آیاتی که به مقتضای مناسبات، سؤالات و حوادث تدریجی نازل شدند، از جمله این شواهد تاریخی است. این پیام‌ها و مضامین، ارتباط تنگاتنگی با تاریخ‌مندی قرآن داشته و این ارتباط به منزله قرائن حالی و مقامی، مؤثر در فهم تلقی می‌شوند. آیات از نظر اجمال و تفصیل، شدت و لینت، امر و نهی، ناسخ و منسوخ بر اقتضای شرایط و سیاق متفاوت نازل شده، و فهم روشن و غیرمتناقض آیات نیاز دارد قرآن به ترتیب نزول تفسیر شود تا فهم بهتری را ایجاد نماید. نزول تدریجی قرآن در دوران جاهلیت، به تناسب زمان، مکان، مخاطب و... یقیناً در ایجاد تحول در جامعه عصر نزول، مؤثر بوده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در طول ۲۳ سال با تفسیر بر اساس ترتیب نزول به صورت تدریجی موجب ایجاد تحول در جامعه عرب جاهلی آن روزگار شده، که آن جامعه را به اوج فرهنگ و تمدن برساند. بدین منظور و برای عملیاتی‌سازی معارف قرآن کریم در این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی، منظومه فکری مفسرین تنزیلی تبیین شده و سپس ادله آنها از منابع عقلی و نقلی مورد مذاقه قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

تتبع در آثار تفسیر تنزیلی نشان می‌دهد گرچه تلاش‌های مفیدی صورت گرفته، اما با وجود تفاوت‌های ماهوی در بیان ادله عقلی و نقلی جواز تفسیر تنزیلی، تلاش‌ها در تحقیقات متعدد با کاستی‌هایی در کمیت و کیفیت روبروست. برخی از این کتب عبارتند از: کتاب «همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی» نوشته عبدالکریم بهجت پور، با توجه به منابع معتبر و جدولی که درباره چگونگی



نزول آیات و سوره‌ها و ترتیب آن وجود دارد، با دیدی اصولی به مبانی این روش تفسیری اشاره داشته است، اما به ادله جواز این سبک تفسیری اشاره نداشته و تعاریف ارائه شده در این تحقیق با تحقیق پیش رو دارای تفاوت‌های ماهوی است.

کتاب «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول» نوشته سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی العانی، اولین تفسیری است که قرآن را بر حسب ترتیب نزول آیات، و با روش تاریخ‌گذاری آیات قرآن تفسیر کرده است. همچنین کتاب «التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول» نوشته محمد عزه دروزه بر پایه منابع و مصادر و با تکیه بر سیاق و توجه به نظم آیات و دقت در نکات و دقایق نحوی و بیانی و به خصوص توجه به مقتضیات نزول و... به تفسیر آیات پرداخته است. در کتاب «پا به پای وحی» نوشته مهدی بازگان نیز تفسیری تحلیلی و تاریخی بر اساس سیر نزول و تهیه جدول‌هایی از گروه‌هایی از آیات قرآن درج شده است. در کتاب «فهم القرآن الحکیم؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» نوشته محمد عابد الجابری نیز نتیجه کلی و عملی که از مطالعه و پژوهش تفاسیر قرآنی به دست آمده است، بازگو می‌شود. کتاب «أحسن القصص؛ تاریخ الإسلام كما ورد من المصادر مع ترتیب السور حسب النزول» نوشته ابن قرناس نیز اولین کتابی است که تاریخ صدر اسلام و عصر نزول قرآن را فقط بر اساس آیات قرآن به نگارش در آورده و از هیچ کتاب دیگری در این خصوص استفاده نکرده است.

همچنین در این زمینه مقالات متعددی نیز به نگارش درآمده است. از جمله مقاله «نقدی بر فواید تفسیر ترتیب نزولی» نوشته سید محمدعلی ایازی که برخی از مهم‌ترین فواید تفسیر تنزیلی را برشمرده است. در مقاله «نقد و بررسی رویکردهای مختلف تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول» نوشته محمدکاظم شاکر نیز شیوه‌های مختلف تفسیر تنزیلی بیان شده است. در مقاله «رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول» نوشته عبدالکریم بهجت پور نیز رویکردهای مهم تفسیر تنزیلی احصاء شده است. در مقاله «تفسیر نزولی راهکار فهم مهندسی فرهنگی قرآن» نوشته سجاد شفیع پور نیز مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی قرآن بر اساس تنزیل بیان شده است.

همچنین پایان‌نامه‌های متعددی نیز در این زمینه به نگارش درآمده است. از جمله «بررسی ترتیب نزول قرآن در روایات» نوشته جعفر نکونام (۱۳۷۳ش) که تفسیر تنزیلی را بر اساس آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است. رقیه براریان (۱۳۹۶ش) نیز در پایان‌نامه خویش با عنوان «فرآیند فرهنگ‌سازی نماز در قرآن با رویکرد ترتیب نزول وحی» رویکردهای فرهنگی قرآن در امر نماز را مورد واکاوی قرار داده است. محمد سلطانی (۱۳۸۹ش) نیز «روش قرآن در نهادینه کردن باور به ربوبیت الهی در جامعه صدر اسلام» را بررسی کرده و به مطالعه موردی ربوبیت الهی در آیات قرآن و بر اساس تفسیر تنزیلی پرداخته است. در پایان‌نامه «مهندسی عفاف و

حجاب در تفسیر تنزیلی» نوشته مرحمت سلیمانی (۱۳۹۴ش) نیز عفاف و حجاب بر اساس تفسیر تنزیلی تحلیل شده است.

لازم به ذکر است که گرچه در فحوای کلام بزرگان این زمینه، بیان مبانی این سبک تفسیری پرداخته شده است، اما نوشته‌ای که به بررسی ادله عقلی و نقلی جواز تفسیر تنزیلی به صورت مستقل پرداخته باشد، یافت نشد. همچنین این پژوهش به منظور برداشتن گامی رو به جلو برای تمایز کار خود نسبت به سایر تحقیقات، به دور از بیان منظومه فکری قائلین به این سبک، به مخاطب داده اضافی‌ای را تقدیم می‌دارد، و با افزایش ظرفیت پیام‌های الهی از آیات قرآن بهترین روش هدایتگری را بیان می‌دارد. بنا بر آنچه بیان شد، بررسی ادله جواز ضروری است و این تحقیق درصدد تبیین این مسئله است.

۱. مطالعات مطرح در تفسیر تنزیلی

دیدگاه‌های مختلفی در زمینه تفسیر تنزیلی وارد است که ناشی از دو دسته از مطالعات در رویکرد تنزیلی است. این مطالعات عبارتند از:

۱-۱. مطالعات زمان محور

آن دسته از مطالعات است که حکایت از تاریخ‌گذاری یا کرونولوژی روایات تفسیری دارد که برخی از آثار و مطالعات شرق شناسانی چون رژی بلاشر و نوریس و معاصرانی چون نکونام و بازرگان گویای پیروی و تبعیت از این روش است. عمده تلاش طرفداران این دسته از مطالعات آن است که می‌کوشند برای رسیدن به تاریخ زمان نزول قرآن به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته تا به شواهد نزول آگاه شوند. اما با توجه به نبودن قرائن متقن و مشخص در این زمینه، راه حدس و گمان پیش گرفته‌اند که در جای خود نیازمند بررسی و ارزیابی این رویکرد است.

۲-۱. مطالعات روایت محور

این رویکرد بر مبنای روایاتی است که به صورت مستند یا غیر مستند در منابع شیعه و اهل سنت در مورد ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم وارد شده است. بیشتر مفسرین در تلاشند تا بر این مبنا به مطالعات پردازند (قمرزاده، ۱۳۹۳، ص ۵۲). در این پژوهش ما نیز درصدد پرداختن به ادله عقلی و نقلی جواز این دسته از مطالعات در سبک تفسیر تنزیلی هستیم.

عرصه‌های پژوهش در روش روایت محور در یک تقسیم‌بندی صناعی به دو حیطه می‌پردازد: حیطه نظری و علوم قرآن، و حیطه معارفی و تفسیری. حیطه معارفی و تفسیری نیز به تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی در مطالعات تنزیلی تقسیم می‌شوند (بهجت پور، ۱۳۹۱، ج ۳،

ص ۱۰۲). همچنین تلاش‌های مستشرقان که طبعاً به قرآن به مثابه یک کتاب مقدس و آسمانی نظر نمی‌افکنند و باب انتقاد و تردید را بر خود مفتوح می‌دانند در این حوزه قابل توجه و به نوعی فتح باب برای پرداختن سایر علما به این موضوعات محسوب می‌شود.

«رشد فزاینده مطالعات مستشرقان در نیم قرن اخیر به گونه‌ای بوده که

باعث شده برخی اندیشمندان از آن با عنوان موج تهاجم استشراقی یاد

کنند» (جانی پور، ۱۳۹۴، ص ۷).

۲. منظومه فکری جواز تفسیر تنزیلی

تفسیر تنزیلی بر پایه افکار و باورهای استوار است. محقق و مفسر در این سبک در تلاش است تا هم‌نوا و سازگار با حرکت پیامبر اکرم در هنگام نزول و مراحل طی کردن جامعه هدف، به فهم بالاتری برسد و از دل این سازگاری، به داده‌ها و نهایتاً تحلیل بهتری در مورد قرآن دست یابد. برخی از اهم باورهای بنیادین آنها بدین شرح است:

۲-۱. ارتباط مستقیم فهم با تدرج

میان مفسران نزولی ملاحظه‌ی و عابدالجابری و دروزه با تأکید بر ارتباط نزول قرآن در دوره‌های مختلف با حوادث خارجی، به نزول تدریجی قرآن تأکید ویژه‌ای دارند. آن‌ها آغاز نزول را نزول آیاتی از قرآن در شب‌های رمضان دانسته و واژه «قرآن» را ابتدا در آیه: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره: ۱۸۵) و نیز آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) می‌دانند که دلالت بر بخشی از قرآن دارد و نه همه آن. به باور ایشان، اقتضای نزول آیات و سوره در مناسبت‌های مختلف بستگی به شرایط نزول آن زمان و اقتضائات آن دارد. جابری دانستن ترتیب و چگونگی نزول را در فهم قرآن بسیار تأثیرگذار می‌خواند و در آغاز هر سوره، مکی یا مدنی بودن سوره، سال نزول و جایگاه سوره در میان سوره‌های قرآن را بررسی می‌کند. به‌عنوان نمونه جابری می‌گوید:

«مفسران بر مدنی بودن سوره بقره اتفاق دارند و اختلاف آن‌ها در سال

نزول این سوره است. برخی مانند قرطبی و ملاحویش آغاز نزول این

سوره را اواخر سال دوم هجری می‌دانند و آیه: «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى

اللَّهِ» (بقره: ۲۸۱) را آخرین آیه نازل شده معرفی می‌کنند (ر.ک: قرطبی،

۱۳۶۴، ص ۶۱؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ص ۱۹) و شماری آغاز نزول این

سوره را اوایل سال اول و برخی اواخر سال اول هجرت می‌دانند» (جابری،

۱۴۱۱ق، ص ۲۵).

۲-۲. هدایت صعودی و تحولی

هدایت به راه مستقیم، هدف اصلی قرآن است. چيستی آن غایت و هدف را خداوند در شماری از آیات بیان نموده: «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)، «...قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ* يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ...» (مائده: ۱۴-۱۵). هدایت‌گری قرآن در گزینش واژگان و چینش کلمات در آیات، کاملاً مشهود است. این چینش از اراده‌ای حکیمانه در ساماندهی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و در یک مسیر تحولی و رو به صعود برای انسانی که مخاطب قرآن هست قرار گرفته‌است. با تمرکز بر سوره‌های نازل شده در مکه و مدینه و براساس منطقی که در مباحث سوره‌ها قرار گرفته است موجب شده تا به‌طور طبیعی انسان براساس باور به توحید ربوبی کار خود را سامان دهد و از مرحله اعتقادی وارد مرحله کرداری در سور مدنی شود و این امر سبب شده تا هدایتی توأم با تحول و صعود به سمت کمالات انسانی رخ دهد. چنانچه ملاحویش به‌عنوان یکی از مفسرین تنزیلی معتقد است:

«خواننده قرآن با دقت در آن درمی‌یابد با کتابی مواجه است که در موضوعات گوناگونی مانند معارف الهی، احکام حقوقی، تعلیمات اخلاقی، سرگذشت پیامبران و اقوامشان، توجه دادن انسان به خودش و به آیاتی که در بر و بحر و زمین و آسمان است و دیگر مواعظ و حکمت‌ها وارد شده و در هرکدام هدف هدایتی خود را تعقیب کرده است. این کتاب در مدت ۲۳ سال در احوال مختلف بر پیامبر (صلى الله عليه وآله) نازل شده و ایشان در تمام این احوال و موقعیت‌های متفاوت آیاتی تلاوت می‌کرد که با داشتن محتوایی گوناگون، در بلاغت و استواری عبارت بی‌اختلاف بود. با وجود ورود در مباحث نظری و عملی، لفظ و معنایشان تضاد و تناقضی با هم نداشت. آغاز و انجامش هماهنگ و دعوت‌کننده به توحید بود. از این رو قرآن از افقی برتر و مبدئی داناتر از انسان صادر شده که دستخوش تغییر نیست و بشری که حالاتش گوناگون و تغییرپذیر است و رو به تحول و تکامل یا نقصان است هیچ‌گاه نمی‌تواند منشأ چنین کتابی حکیمانه و انسان‌ساز باشد» (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ص ۵۳۸).

او بر اساس همین مبنا معتقد است قرآن برای هدایت بشر و با هدف رساندن او به کمال، میان آیات و سور قرآن چه به لحاظ سیاق و چه به لحاظ موضوع ارتباط و انسجام برقرار کرده است. در نتیجه سبک تنزیلی بر پایه هدایتی و تربیتی بودن قرآن استوار بوده و انسان را به سمت تحول صعودی رهنمون می‌کند.



۲-۳. فهم متکی بر قرآن

یکی از باورهای بنیادین فکری در سبک تنزیلی تکیه فهم مفسران بر خود قرآن است. فهم دلالت‌ها و مقاصد قرآن، ارتباط و تناسب مطالب آن با یکدیگر، و... بر اساس ترتیب نزول آیات آن بهتر قابل قبول است. از این رو روش تفسیر قرآن به قرآن، بهترین و کهن‌ترین (ایرانی قمی، ۱۳۷۱، ص ۹۲)، متقن‌ترین (معرفت، ۱۳۸۴، ص ۲۲؛ مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷)، صحیح‌ترین (زرکشی، ۱۴۰۸، ص ۳۱۵) و بالاخره جاودانه‌ترین روش تفسیر قرآن می‌باشد. قرآن اولین منبع و مفسری است که وعده تفسیر آیات خود را به پیامبرش داده؛ و عملاً در آیات دیگر به تفسیر آن‌ها پرداخته است (الفرقان: ۳۳). امام علی (علیه السلام) در این رابطه فرمودند: «وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يُقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ فِيهِ تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَ أَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافاً كَثِيراً وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَمُتِي عَجَائِئِهِ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبَهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِه» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸).

روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش‌های تفسیر نقلی است. مقصود این است که هر آیه‌ای با استعانت از آیات دیگر تفسیر شود، زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل معانی، لغات و محتوی آن‌ها پرداخته‌اند (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۴۹). این امر بدان معنا نیست که ترتیب کنونی و مصحفی آیات در سوره‌ها مانعی برای فهم آیات باشد. بلکه با تفسیر بر مبنای ترتیب نزول آیات قرآن، چنین کلمات و جملات در آیات و چنین آیات در سیاق‌ها، و سیاق‌ها در سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول، فهم منسجم قرآن را شکل می‌دهد. برخی از مفسرین معتقدند منبع بودن برخی آیات، مقابله آیات با یکدیگر، استدلال طرفینی به آیات برای شناخت مراد الهی، و... از زمان نزول قرآن مطرح بوده است. در دوره‌های تفسیری صدر اسلام تاکنون جایگاه ثابتی نداشته است. در دوره اخباری‌ها در حال غروب بوده، ولی در دوره معاصر، توجه بیشتر مفسران بدان معطوف شده است. مفسران نزولی اگر در آنچه افزون بر شرح لفظ و مفهوم که نیاز به سخن معصوم دارد، از آیات محکم قرآن چیزی بیابند، آن را بیان می‌کنند. زیرا برخی از قرآن برخی دیگر را تفسیر کرده و ائمه (علیهم السلام) نیز فرمان داده‌اند که متشابهات قرآن به محکومات آن ارجاع داده شوند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۵۰).

پس این روش نه تنها به‌عنوان روش پسندیده در تفسیر قرآن مورد توجه مفسران بوده، بلکه در مواردی از جمله روش تفسیری موضوعی و ترتیبی قرآن بدون استمداد از آن درک مراد واقعی خداوند ممکن نیست. از این رو سه نوع تفسیر قرآن به قرآن بیان شده

است. تفسیر یک واژه قرآنی به واسطه آیات، تفسیر یک جمله به واسطه آیات، تفسیر یک آیه به واسطه آیات دیگر (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۸). روش تفسیر قرآن به قرآن مسبوق به یک پیش فرض است که تمام آیات قرآن را یک ماهیت لازمائی، لامکانی و غیرتاریخ‌مند استوار است. قرآن یک مجموعه خودکفاست و برای فهم آن هیچ نیازی به بیرون خود ندارد. این دسته از مفسرین، در تبیین منبع معتبر بودن قرآن در تفسیر بدین شیوه استدلال می‌کنند:

منبع بودن گروهی از آیات برای آیات دیگر مانند آیه: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...» (آل عمران: ۷). در این آیه «امّ الكتاب» بودن آیات محکم برای متشابهات، بر مرجعیت تمامی قرآن بر یکدیگر دلالت دارد. آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل: ۸۹) نیز بر تبیان بودن قرآن تأکید دارد. برخی از صاحب نظران نیز تفسیر قرآن به قرآن را مقابله آیات با یکدیگر و شاهد و استدلال طرفینی آیات برای شناخت مراد خدا دانسته‌اند (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵). با تلقی این که قرآن تنها متن مصون از تحریف، و در اوج فصاحت و بلاغت است، باید سیاق آیات متحدالموضوع در تفسیر نزولی بیش از هر منبع دیگر مورد توجه قرار گیرد.

دروزه، قرآن را به‌عنوان صادق‌ترین منبع در تفسیر نزولی می‌شناسد. او با اعتقاد به اصالت این کتاب الهی و نزول هر یک از واحدهای آن به اقتضای شرایط عصر نزول، بیش از همه منابع از آن بهره می‌برد. از نظر او قرآن حاوی قرائن و شواهدی است که در تفسیر نزولی قابل استناد می‌باشند. با توجه به سیاق قرآن می‌توان آیات و سور مکی را از مدنی تشخیص داد. دروزه با اعتقاد بر اینکه مصحف متداول، به لحاظ نص و ترتیب، همان قرآن ثابت است، انواع سیاق را به‌عنوان یکی از منابع تفسیر قرآن معرفی می‌کند (دروزه، ۱۴۲۹ق، صص ۳۱۵، ۴۰۵-۴۴۰).

جابری نیز معتقد است هرگاه امکان ربط میان برخی آیات با آیات دیگر وجود داشته باشد به لحاظ لغوی، مدلول آیات، حوادث، سبک بیان، تقریر احکام، تفسیر تنزیلی قرآن به قرآن کارآمد است. برای نمونه او در تفسیر سوره مزمل بیان می‌دارد که آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» (مزمل: ۴) دلالت بر این دارد که مقداری از قرآن نازل شده است، پس آیه ابتدایی نزول نیست. به‌عنوان مثال او در تفسیر سوره مائده از قرآن استفاده کرده و می‌نویسد که آیه «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ...» (مائده: ۵۲) ناظر به صلح حدیبیه است، اگرچه سوره مائده در سال هفتم و درست پس از صلح حدیبیه نازل شده، نه حجه‌الوداع (جابری، ۲۰۱۰م، ص ۳۵۵).



ایشان به ساختار و محتوای سوره‌ها، پیوستگی آیات آن‌ها، ارتباط سوره‌های مختلف و مقاصدشان توجه کرده، و ضمن تشخیص مخاطبان آیات و موقعیت نزول آن‌ها، به کار تفسیر می‌پردازد و با توجه به سیاق قرآن آیات و سور مکی را از مدنی متمایز می‌کند.

۲-۴. توانایی در حل تعارض موضوعات

از دیگر مباحث منظومه فکری سبک تنزیلی، قدرتی هست که این سبک به مفسر تنزیلی بر کشف مرحله‌ای موضوعات و حل تعارضات در موضوعات به ویژه احکام دارد. این امر به پشتوانه حکیمانه بودن سیر نزول سوره‌ها و توجه به اقتضائات فطری مخاطبان است. یعنی تصور نشود که آیه قبل با آیه یا آیات نازل شده بعدی در موضوع تکالیف، احکام، راه‌های اصلاح، روش‌های دعوت، انواع جهاد، و.و. معارض‌اند. برای اثبات کارایی این سبک تفسیری در زمینه رفع تعارض بین آیات، توجه به حکم ذبیح اهل کتاب در دوگونه آیات ضروری است:

الف) دسته‌ای از آیات که بر عدم استفاده از گوشت حیوانات حلال گوشتی که بدون ذکر نام خداوند ذبح شده‌اند بیان شده، مانند آیه: «و لا تَأْكُلُوا مما لم يذكر اسم الله عليه» (انعام: ۱۲۱).

ب) آیه‌ای که صراحتاً حلال بودن طعام اهل کتاب را اعلام می‌دارد: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ» (مائده: ۵).

در جمع میان این قبیل آیات و روایات متعارض در این باب، حرمت ذبیح اهل کتاب قابل استنباط است به گونه‌ای که حلیت طعام اهل کتاب، بر خشکبار و حبوبات حمل می‌شود. در حالی که در فرهنگ قرآن و احادیث به تمام خوردنی‌ها طعام گویند. با توجه به آیات بیان شده، بر اساس ترتیب نزول، آیات مربوط به احکام سر بریدن حیوانات حلال گوشت، در سور انعام، نحل، بقره و مائده ذکر شده‌اند. سوره‌های انعام و نحل از سور مکی، و سوره‌های بقره و مائده از سور مدنی محسوب می‌شوند. سوره بقره نخستین سوره پس از هجرت بوده و سوره مائده جزء آخرین سوره‌های قرآنی نازل شده است. چهار آیه سوره انعام در زمینه ذبیح اهل کتاب، و یک آیه در سوره‌های بعدی است که به ترتیب عبارتند از:

«فَكُلُوا مما ذُكِرَ اسمُ اللهِ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» (انعام: ۱۱۸)،

«وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مما ذُكِرَ اسمُ اللهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ ما حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا ما اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ»

(انعام: ۱۱۹)،

«وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكَرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ» (انعام: ۱۲۱)،
 «قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ
 لَحْمَ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ» (انعام: ۱۴۵)،
 «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ» (مائده: ۳).

تکرار آیه فوق با جابجایی «به» و «ما اهل به لغیر الله» (بقره: ۱۷۳) در تکرار آیات بالا با رو شنگری گونه‌های «میته» و شرح «وما اهل لغیر الله» (مائده: ۳)، موضوع اخیر در آیه ۳ سوره مائده این گونه توضیح داده شده که «ما ذبح علی النصب» آن چیزهایی است که در برابر بت‌ها قربانی شده و حرام است. در این زمینه روایتی نیز از امام رضا (علیه السلام) به نقل از عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) وارد شده است. ایشان در پاسخ به سؤال از تفسیر «ما اهل لغیر الله» می‌فرماید: «ما ذبح لصبم أو وثن أو شجر حرم الله ذلك كما حرم المیتة و الدم و لحم الخنزیر» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۴۳). موضوع فوق چند نکته قابل تأمل دارد که:

اول اینکه حکم ابتدایی قرآن بر ذبح حیوانات حلال گوشت با ذکر نام خدا است (در حدود سال چهارم بعثت). دوم اینکه ذبح حیوان حلال گوشت با نام بت‌ها و یا برای بت‌ها، حرام است. این حکم از زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه، و از زمان نزول سوره نحل، تا پایان دوران نبوت ایشان بر محور یک موضوع بوده است. از این رو حکم قرآن در خصوص ذبایح اهل کتاب ه چند با آیات ابتدایی قرآن در مکه مغایرت دارد، اما در سیر تحول فقهی قرآنی متعارض نیست. زیرا اگرچه اغلب اهل کتاب در زمان ذبح حیوانات نام خدا را نمی‌برند، اما به دلیل بت پرست نبودن، این ذبح را در مقابل بت‌ها و با نام آنها نیز انجام نمی‌دهند. منظومه فکری در تفسیر تنزیلی شامل موارد دیگری مانند توسعه سیاق در بستر نزول و نیز حکیمانه بودن چیدمان و... هم می‌شود که در این مجال نمی‌گنجد.

۳. ادله جواز تفسیر تنزیلی

به دلیل معهود بودن سبک تفسیر ترتیبی از دیرباز و همچنین وجود انتقادات و نظرات متناقض در خصوص روایی و کارایی روش تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات و سوره، بررسی و تحلیل ادله جواز سبک تنزیلی ضروری می‌نماید. کشف چهارچوب‌های اصلی تحول دینی فرد و جامعه، هندسه خاص در نهادینه سازی این اصول، ارتباط تفسیر موضوعی با سبک نزولی مباحث تالی اثبات جواز خواهند بود. مهم‌ترین ادله عقلی و نقلی جواز این روش تفسیری عبارتند از:

۳-۱. ادله نقلی جواز تفسیر تنزیلی

برای اثبات جواز تفسیر بر اساس ترتیب نزول می‌توان به برخی از مهم‌ترین ادله نقلی ذیل الذکر اشاره نمود:

۳-۱-۱. مصحف امام علی (علیه السلام)

به استناد تاریخ، امام علی (علیه السلام) مصحف خود را بر اساس ترتیب نزول قرآن تنظیم نموده‌اند. در بین متقدمین شیعه، شیخ مفید (ابن نعمان، ۱۴۱۳، ص ۷) و در بین متأخرین علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۲۳، ج ۸۹، ص ۶۶-۷۳) چنین نگرشی داشته‌اند. در بین معاصرین این موضوع به شکل گسترده‌ای مطرح شده است. زنجانی (عمید زنجانی، ۱۴۲۴، ص ۱۰۲)، علامه بلاغی (بلاغی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۸۴)، علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۲۱ و ۱۳۲)، آیت الله خوئی (خوئی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳)، آیت الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۸۱)، سیدجعفر مرتضی عاملی (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۷-۱۶۰) و سایر محققان معتقد به این دیدگاه هستند.

برخی همچون آیت الله خوئی و آیت الله معرفت به این سبک تصریح می‌کنند این مسأله قطعی و مورد اجماع علما بوده و نیاز به استدلال ندارد. از سویی برخی علمای معاصر نیز خلاف مطلب فوق معتقدند چینه‌س مصحف ایشان تفاوتی با مصحف رایج نداشت. از جمله آقایان سید محمدعلی ابازی (ابازی، ۱۳۸۲، صص ۸۱-۱۱۱)، رضا فرشچیان (فرشچیان، ۱۳۸۷، ص ۸۲) و محمدعلی مهدوی راد (مهدوی راد، ۱۳۸۲، صص ۳۷-۳۸ و ۹۸-۱۰۲) معتقدند که این دیدگاه برخاسته از نظر پیشینیانی است که رأی آن‌ها مورد استناد علمای قرون معاصر مانند عزت‌دروازه، فهذب‌بن‌عبدالرحمن رومی، ابن فارس، ابن حجر، ابن جزی، ابن خطیب و... نیز قرار گرفته است. ایشان بیان می‌دارند:

«مصحف علی (علیه السلام) هیچ تفاوتی با قرآن موجود ندارد، نه در آیات و نه در ترتیب. بلکه آنچه آن مصحف را ممتاز می‌سازد تفسیر، تأویل، مصداق و روشنگری‌های وحیانی در قالب تفسیر و تأویل است» (مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰).

موافقان تنزیلی با نفی این بیان و دلیل تاریخی بیان می‌دارند که ترتیب مصحف امام علی (علیه السلام) به ادله نقلی و تاریخی بر اساس ترتیب نزول است. از جمله دلایل ایشان: وجود ناسخ و منسوخ در قرآن و لزوم چینش صحیح آیات، اقتضای شرایط تاریخی مختلف نزول، فهم غیر متناقض در ترتیب نزول، حقایق تاریخی آشفته به دلیل آشفتگی در متن، و.. می‌باشد (نکونام، ۱۳۸۲، ص ۹۹).

ادله نقلی موافقان این دیدگاه روایات «کما أنزل» است که البته علم قطعی درباره نحوه چینش مصحف ایشان (علیه السلام) در اختیار معصوم (علیه السلام) است. امیرمؤمنان (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ آيَةٌ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا دُنْيَا وَلَا آخِرَةٍ وَلَا جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ وَلَا سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَلَا ضِيَاءٍ وَلَا ظُلْمَةٍ إِلَّا أَقْرَأْنَاهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ وَكَتَبْتُهَا بِيَدِي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَتَحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَحَاصَّهَا وَعَامَّهَا وَكَيْفَ نَزَلَتْ وَأَيَّنَ نَزَلَتْ وَفِيْمَنْ أُنْزِلَتْ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۴۰، ص ۱۳۹). بنابراین ثبت مصحف حضرت علی (علیه السلام) بر اساس روزنگار، همراه با تفسیر، تأویل، اطلاع از زمان، مکان، روابط میان آیات، کیفیت نزول، تنزیلات آیات، بوده است.

۳-۱-۲. روایات عدم منع

از بین رفتن اختلافات تفسیری از طریق قرائت قرآن بر اساس «کما انزل» و تفاوت در تعلیم مصحف در زمان ظهور حضرت حجت (علیه السلام) از ادله‌ای است که در این زمینه مطرح شده‌اند. از سویی دیگر عدم منع در روایات دلیلی بر جواز خواهد بود؛ چرا که در سیره، قول و فعل معصوم نهی و نفی‌ای نسبت به تفسیرهایی که بدین شیوه ارائه شده، نیامده است. در عبارات ائمه اطهار (علیهم السلام) و صحابه ایشان مواردی برای اثبات روش تفسیر نزولی قابل ملاحظه است. از جمله: «عن عبد الرحمن قال: سألت أبا عبد الله (علیه السلام) عن قوله "يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ" قال: "الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا" (فرقان: ۶۷) نزلت هذه بعد هذه» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸). موافقان این روش در اثبات آن ذیل این روایت بیان می‌دارند:

«سوره فرقان در ترتیب نزول ردیف ۴۲ قرار دارد، در حالی که سوره بقره در ردیف ۱۹ و اولین سوره نازل شده در مدینه است. امام در پاسخ سؤال کننده‌ای که مراد از عفو را در این آیه می‌پرسد، می‌فرماید: قبل از نزول این آیه، حد عفو در سوره فرقان نازل شد و کلمه عفو اشاره به حالتی میان دست بسته بودن و اسراف دارد» (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

۳-۱-۳. ابلاغ و تعلیم وحی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)

اصلی‌ترین پایه و جواز اعتبار سبک تنزیلی، مطابقت ترتیب نزول با سیره ابلاغی و تعلیمی پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای نخستین بار بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از نزول آیات، آن‌ها را بر مردم قرائت می‌نمود و به تعلیم آموزه‌های علمی و عملی می‌پرداختند. امام علی (علیه السلام) درباره چگونگی نزول قرآن و کیفیت آن می‌فرماید: «كَانَ الْقُرْآنُ يَنْسَخُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ إِنَّمَا كَانَ يُوحَى مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله)»



بِآخِرِهِ فَكَانَ مِنْ آخِرِ مَا نَزَلَ عَلَيْهِ سُورَةُ الْمَائِدَةِ نَسَخَتْ مَا قَبْلَهَا وَ لَمْ يَنْسَخْهَا شَيْءٌ فَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ وَ هُوَ عَلَى بَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ وَ ثَقُلَ عَلَيْهَا الْوَحْيُ حَتَّى وَقَفَ وَ نَدَلَى بَطْنَهَا حَتَّى زُرِيَتْ سُرْتَهَا تَكَادُ تَمَسُّ الْأَرْضَ وَ أَعْمَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (علی‌علیه‌السلام) حَتَّى وَضَعَ يَدَهُ عَلَى ذُؤَابَةِ مِنْبِهِ بِنِ وَهَبِ الْجُمَحِيِّ ثُمَّ رَفَعَ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (علی‌علیه‌السلام) فَقَرَأَ عَلَيْنَا سُورَةَ الْمَائِدَةِ فَعَمِلَ رَسُولُ اللَّهِ (علی‌علیه‌السلام) وَ عَمِلْنَا (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۱۵، ص ۲۷۲).

همچنین ذیل تفسیر آیه ۲۳ سوره فجر، روایت است که: «لَمَّا نَزَلَتْ وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ تَغَيَّرَ لَوْنُ رَسُولِ اللَّهِ (علی‌علیه‌السلام) وَ عَرَفَ فِي وَجْهِهِ. حَتَّى إِشْتَدَّ عَلَى أَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَقْرَأْنِي جِبْرِيْلُ كَلَا إِذَا دَكَّتْ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَجَاءُ بِهَا؟ قَالَ: (تُؤْتِي بِهَا تَقَادِ بِسَبْعِينَ أَلْفَ زَمَامٍ، يُثَوِّدُ بِكُلِّ زَمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، فَتَشْرَدُ شَرْدَةً لَوْ تَرَكْتَ لِأَحْرَقْتَ أَهْلَ الْجَمْعِ ثُمَّ تُعْرَضُ لِي جَهَنَّمَ فَنَقُولُ: مَا لِي وَ لَكَ يَا مُحَمَّدَ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ لِحْمَكَ عَلَيَّ) فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا قَالَ نَفْسِي! إِلَّا مُحَمَّدَ (علی‌علیه‌السلام) فَإِنَّهُ يَقُولُ: رَبِّ أُمَّتِي! رَبِّ أُمَّتِي» (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۵۶).

بنابراین روش تعلیمی قرآن از سوی پیامبر (علی‌علیه‌السلام) به ترتیب طبیعی نزول آیات و سور بود؛ و تعلیم آیات و محتوای آن‌ها به دنبال هر واحد نزول صورت می‌گرفت. این کار پیامبر (علی‌علیه‌السلام) نشان از جواز روش ترتیب نزولی است (دروزه، ۱۴۲۹، ص ۱۰؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

۲-۳. ادله عقلی جواز تفسیر تنزیلی

همچنین به مقتضای ادله عقلی ذیل، تفسیر بر اساس ترتیب نزول امری جایز و کاربردی تلقی شده و می‌توان آن را در زمره سبک‌های نوظهور تفسیری برشمارد که مزایا و کاربردهای تفسیر موضوعی را نیز در خود گنجانده است:

۱-۲-۳. عدم انحصار روش‌های شناخت و تفسیر قرآن

موضوع شناخت و روش‌های شناختی و فرآیندهای حصول آن موضوعی پیچیده و دارای ابعاد متفاوتی است. با جستجوی تاریخیچه شناخت می‌توان ادعا کرد که صرفاً با پرداخت فلسفی یا روایی و یا اتکا به اطلاعات موجود، نمی‌توان تمامی جنبه‌های یک موضوع را شناخت یا شناساند. به لحاظ عقلی ایجاد انحصار در روش‌های شناخت موضوعات جایز نیست و یکی از ملموس‌ترین اثرات ابتباه به ماهیت پیچیده شناخت، آن است که امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های منابع دینی به بهترین وجه خود مقدور می‌شود. قرآن هم به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی مملو از معارف شناختی است که روش تفسیر این آموزه‌ها را نمی‌توان منحصر در سبک ترتیبی معهود دانست. به عبارت دیگر پردازش اطلاعات موجود در کلام وحی نیاز به پردازنده‌ای دارد که در سبک‌ها و با دستاوردهای مختلف در پی کشف مدلول حقیقی کلام الهی باشد.

لذا یکی از مهم‌ترین ادله عقلی جواز استفاده از سبک تفسیری عدم امکان انحصار تفسیر کلام الهی در یک سبک خاص است.

۳-۲-۲. ترتیب توقیفی یا اجتهادی سور

تدوین قرآن بر اساس مصحف کنونی، به دست صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنظیم شد، و به منظور جلوگیری از اختلاف و تحریف در آن، مورد تأکید امامان معصوم (علیهم السلام) نیز قرار گرفت. ایشان دائماً افراد را به پیروی و تمسک به قرآن موجود امر می‌کردند. تا جایی که به سنت و سیره قطعی ایشان در جامعه مسلمین نیز معروف گشت.

رجوع به تفسیر ترتیب تنزیلی قرآن، موجب تلازم میان تفسیر تنزیلی و توقیفی بودن ترتیب نزول نیست. زیرا ممکن است فردی قائل بر توقیفی بودن ترتیب کنونی قرآن باشد، اما بنا بر دلایلی چون فهم تدریجی قرآن، به سبک تنزیلی روی آورد، مانند نادیده گرفتن سیاق مصحفی در تفسیر موضوعی است. برخی از موافقان اجتهادی بودن ترتیب سور معتقدند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در تدوین و پردازش قطعی ترتیب سوره‌ها دستور صریح از جانب خداوند نداشته است. از این رو ترتیب سوره‌ها در زمان ایشان (صلی الله علیه و آله) و با اجتهاد و نظر خود صحابه تنظیم شد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱). آنها حتی توقیفی بودن ترتیب کنونی را هم مانع مشروعیت این سبک نمی‌دانند. مخالفان، حتی اجتهادی بودن ترتیب کنونی را مجوزی برای روی‌آوری به این سبک محسوب نمی‌کنند.

موافقان اجتهادی بودن ترتیب سور از انگیزه‌های عدم روی‌آوری به ترتیب نزول در تفسیر را، کلام منسوب به امام علی (علیه السلام) می‌داند که می‌فرماید: «ان القرآن لا یهاج الیوم و لا یحول» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۷، ص ۱۰۴). برخی از این قبیل روایات برداشت می‌کنند که هرچند ترتیب رایج مورد تأیید امام (علیه السلام) نبوده، اما برای جلوگیری از تصرف در نص قرآن، مردم را به سوی همین مصحف رایج فراخوانده‌اند. بنابراین حتی با وجود اجتهادی بودن ترتیب سور مصحف، تفسیر بر اساس ترتیب نزول جایز نیست. اما استدلال به این روایت برای منظور فوق صحیح نیست. زیرا:

اولاً؛ این روایت برفرض صحت، در حوزه نهی از قرائت غیر رایج است و نظری به ترتیب آیات و سور ندارد.

ثانیاً؛ نمی‌توان تفسیر غیر از ترتیب رایج را تصرف در نص قرآن دانست، و این روشی است که نسل به نسل به صورت متواتر در بین امت منتقل شده و منعی در پیمودن این روش وجود ندارد (دروزه، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱).



لازم به ذکر است استناد به عمل سایرین نمی‌تواند دلیل متقن و قابل توجهی باشد. زیرا ابتدا باید جواز این امر اثبات شود و سپس مورد استناد قرار گیرد. بر فرض اثبات مشروعیت سبک تفسیر بر اساس ترتیب نزول، این سبک منافاتی با مطلوب بودن تفسیر بر اساس ترتیب مصحف و جستجوی مناسبات سور بر اساس آن ندارد. مفسران معتقد به اجتهادی بودن ترتیب مصحف موجود، برای اثبات حکیمانه بودن سبک تفسیری خود، ادله زیر را بیان می‌دارند:

(۱) ترتیب نزول آیات و سور قرآن تابع مقتضیات کاملاً اتفاقی بوده است. عدم رعایت ترتیب نزول سوره‌ها، فهم جدی مراد خداوند را با دشواری‌هایی مواجه می‌کند. چرا که حوادث زمینه‌ساز آیات کاملاً اتفاقی بوده و ترتیبی به لحاظ معنا و محتوا بر هم ندارند (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲). معنی آن‌ها با کمک برخی از قرائن مانند شأن و فضای نزول به‌خوبی فهمیده می‌شود و نیازی به ترتیب نزول نیست.

(۲) پرداختن به تفسیر تنزیلی پیامدهای ناگواری چون وهن قرآن در نگاه مردم، و یا نفی قداست و استواری آن، و یا تغییر و تحریف آن مانند سایر کتب آسمانی را در اذهان ایجاد می‌کند. از سویی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرآن را که یک متن فراتاریخی با کتابت آن مستحکم ساخته، و محدود به موقعیت‌های اجتماعی مکه و مدینه در عصر نزول نشده است. امری که هم با رسالت قرآن ناسازگار است و هم با تلاش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله).

بنابراین تفسیر تنزیلی موجب نادیده گرفتن سیر تکاملی تفسیر می‌شود. زیرا در طول قرون متمادی مفسران با گرایش و ابزارهای گوناگون کوشیدند مفاهیم و حقایق وحی را توضیح و تفسیر کرده و در این راستا به نتایج خوبی نیز دست یافته‌اند.

۳-۲-۳. قرآن به‌مثابه یک موجود زنده

قرآن کریم به‌مثابه یک حقیقت زنده فرازمانی و فرامکانی دارای ابعاد مختلف وجودی است. برای درک صحیح این حقیقت باید سلوک، سبک و روش پیشرفت او را در جامعه عصر نزول بشناسیم. به لحاظ عقلی راهی جز استفاده از سبک ترتیب نزولی و کشف روش کار پیامبر خاتم در هدایت نوع بشر مخاطب قرآن کریم باقی نمی‌ماند. باید دست عقل را گرفت و پایه‌پای پیامبر در اتفاقات مختلف عصر نزول حرکت کرد تا روش تحولی او را شناخت و از آن به‌عنوان الگویی برای تغییر در جوامع بهره برد. توجه به عناصر جاودانگی قرآن کریم در کنار توجه به فرهنگ عصر نزول این حقیقت را مکشوف می‌کند که با تدبیر عقلانی می‌توان ادعا نمود، هنر ایجاد تلفیق بین قوانین ابدی قرآن و پاسخ به نیازهای روزمره و تطبیق با فرهنگ زمانه آنان امری است که از بستر تفسیر تنزیلی و با تعمق در سیر طبیعی نزول آیات قرآن قابل برداشت است.

نتایج تحقیق

تفسیر تنزیلی از جمله سبک‌های تفسیری است که طریقی برای کشف مراد خداوند به حساب می‌آید. یافته‌های پژوهشی ادله جواز این تفسیر عبارتند از:

۱. مطالعات مربوط به منظومه فکری این سبک تفسیری و ادله عقلی و نقلی جواز تفسیر تنزیلی در حیطه مطالعات نظری روایت محور و علوم قرآن قرار دارد.
۲. تفسیر تنزیلی، با تفسیر به ترتیب مصحف تفاوت دارد ولی این تفاوت تنها در دسته‌بندی آیات بوده و تلقی جدیدی در مفاهیم آیات ایجاد نکرده است.
۳. منظومه فکری مفسران تنزیلی بر چهار محور ارتباط مستقیم فهم با تدرج، هدایت صعودی و تحولی، فهم متکی بر قرآن و توانایی بر حل تعارض موضوعات بنا شده است
۴. در تفسیر تنزیلی مازاد بر محتوا، از آنجا که روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وحی الهی ناظر به فطرت است. پس روش تفسیر تنزیلی می‌تواند بهترین روش در ابعاد هدایت‌گری قرار گرفته، و ظرفیت پیام‌های الهی را افزایش می‌دهد.
۵. گزاره‌های قرآنی در دو بعد توصیفی و توصیه‌ای است. تفسیر تنزیلی می‌تواند با ارائه توصیه‌ها و تحول‌ها، ظرفیت مباحث هدایت‌گری را افزایش داده، و چگونگی توصیه‌ها و تجویزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بیان می‌دارد.
۶. مصحف علی (علیه السلام)، روایات عدم منع، مطابقت ترتیب نزول با سیره ابلاغی و تعلیمی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قرآن به مثابه یک موجود زنده، عدم انحصار روش‌های شناخت و تفسیر قرآن و اجتهادی بودن ترتیب مصحفی گویای آن است که تفسیر تنزیلی جایز است. همچنین این سبک تفسیری برای برون رفت از مسائل و مشکلات کنونی؛ تحول دینی فرد و جامعه، بازگشت به شیوه‌های قرآن محور برای رساندن بشر به سعادت، امری مهم و کاربردی است.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: اسلامی.
- ابن نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الکلام فی دلائل القرآن*، بیروت: دارالاحیاء.
- ایرانی قمی، اکبر (۱۳۷۱)، *روش شیخ طوسی در تبیان*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۶۸) «نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر»، *کیهان اندیشه*، شماره ۲۸.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۹)، «نقدی بر فواید تفسیر ترتیب نزولی»، *پژوهش‌های قرآنی*، دوره ۱۶.

- بازرگان، مهدی (۱۳۶۵)، *سیر تحول قرآن*، تهران: نشر کلمه.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۱)، *تفسیر همگام با وحی*، قم: موسسه تمهید.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۹)، «رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول»، *پژوهش های قرآنی*، دوره ۱۶.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، *تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فواید*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جابری، محمدعابد (۲۰۱۰م) *فهم القرآن الحکیم التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول*، بیروت: الوحدة العربیه.
- جاننی پور، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی پیشینه و انگیزه های مستشرقان از پرداختن به موضوع اختلافات قرآنی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، پیاپی ۱۷.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نوگرایی در دانش تفسیر و بررسی دلایل آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، پیاپی ۴.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۲)، *البیان فی تفسیر قرآن*، قم: احیاء آثار امام خویی.
- دروزه، محمدعزیز (۱۴۲۹ق)، *التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول*، تونس: دارالغرب.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲)، *روش ها و گرایش های تفسیری قرآن*، قم: علوم اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین محمد (۱۴۰۸ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۳)، *قرآن در اسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۴۲۴ق)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قمرزاده، محسن (۱۳۹۳)، «مروری بر کتاب تفسیر همگام با وحی»، *آینه پژوهش*، دوره ۲۵، شماره ۱۴۸.
- لطفی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، «پیوستگی متنی سوره های قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، پیاپی ۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۴۰ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیهم السلام*، بیروت: الوفاء، ج ۱۵.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹)، *تفسیر و مفسران*، قم: موسسه تمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۴)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.

- ملاحویش، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*، دمشق: مطبعه الترقی.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۸)، *مبانی تفسیر قرآن*، قم: دانشگاه قم.
- مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، *آفاق تفسیر؛ مقولاتی در تفسیر پژوهی*، تهران: هستی نما.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۲)، *پژوهشی در مصحف امام علی (علیه السلام)*، رشت: کتاب مبین.

Bibliography:

The Holy Quran.

- Ibn Nu'man, Muhammad Ibn Muhammad (1413 AH), *Theology in the Evidence of the Qur'an*, Beirut: Dar al-Ahya.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1999), *Recognition of Letters of Interpretation*, Rasht: Mobin Book.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1414 AH), *Interpreters of their lives and methods*, Tehran: Islamic culture and guidance.
- Irani Qomi, Akbar (1992), *Sheikh Tousi's Method in Tebyan*, Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1989) "A Look at Contemporary Thematic Interpretations", *Kayhan Andisheh Magazine*, No. 28.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (2010) , "A Critique of the Benefits of Interpreting the Descending Order", *Quarterly Journal of Quranic Studies*, Volume 16.
- Bazargan, Mehdi (1365), *The evolution of the Qur'an*, Tehran: Kalmeh Publishing.
- Baq'a'i, Burhan al-Din (1369 AH), *The Order of Time in the Proportion of Verses and Sur*, Hyderabad, India: Ottoman Encyclopedia.
- Behjatpour, Abdolkarim (2012), *Interpretation in Accordance with Revelation*, Qom: Institute of Preparation.
- Behjatpour, Abdolkarim (2010), "A New Approach in Interpretation Based on the Order of Revelation", *Journal of Quranic Studies*, Volume 16.
- Behjatpour, Abdolkarim (2013), *Discount Interpretation, Principles, Principles, Rules and Benefits*, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Tirmidhi, Muhammad ibn Isa (1931), *Sunan al-Tirmidhi*, Cairo: Egyptian Press.
- Jabri, Mohammad Abed (1991), *Heritage and Hadith*, Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya.

- Jaberi, Mohammad Abed (2010) Understanding the Wise Quran, Tafsir Al-Wadiah in the Order of Revelation, Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya.
- Janipour, Mohammad (2015), "Study of the background and motivations of Orientalists to address the issue of Qur'anic differences", Journal of Quranic and Hadith Studies, 17.
- Haji Ismaili, Mohammad Reza (2009), "Modernity in the science of interpretation and study of its reasons", Journal of Quran and Hadith Studies, 4 consecutive.
- Hakim, Seyyed Mohammad Baqir (1417 AH), Quranic Sciences, Qom: Islamic Thought Society.
- Khoii, Seyyed Abolghasem (2003), Al-Bayan Fi Tafsir Quran, Qom: Reviving the works of Imam Khoii.
- Daruzeh, Muhammad Azza (1429 AH), Tafsir al-Hadith, Arrangement of Sur according to revelation, Tunisia: Dar al-Gharb.
- Razi, Fakhreddin (1420 AH), The Keys of the Unseen (Tafsir Kabir), Beirut: Darahiya.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (2003), Methods and Trends of Quranic Interpretation, Qom: Islamic Sciences.
- Zarqani, Mohammad Abd al-Azeem (1362 AH), The methods of mysticism in the sciences of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ahya.
- Zarkashi, Badruddin Muhammad (1408 AH), Al-Burhan Fi Uloom Al-Quran, Beirut: Dar al-Fikr.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein (1353), Quran in Islam, Tehran: Islamic Library.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1417 AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Sciences.
- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali (1403 AH), Protest, Mashhad: Morteza.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (2003), History of Nations and Kings, Beirut: Ibrahim.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH), comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Amid Zanjani, Abbas Ali (1424 AH), Principles and Methods of Quran Interpretation, Tehran: Islamic Culture and Guidance.
- Fiqhizadeh, Abdolhadi (1374), Research in Quranic Order, Tehran: University Jihad.
- Qurtubi, Mohammad Ibn Ahmad (1364), Al-Jame 'Lahkam Al-Quran, Tehran: Naser Khosrow.
- Qamarzdah, Mohsen (2014), "A Review of the Book of Interpretation in Accordance with Revelation", Ayneh Pajuhesh Magazine, Volume 25, Number 148.

- Lotfi, Seyed Mehdi (2011), "Textual continuity of the chapters of the Holy Quran", Journal of Quran and Hadith Studies, consecutive 8.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1440 AH), Bihar Al-Anwar Al-Jame'a Ladr Al-Akhbar Al-Imam Al-Athar (peace be upon them), Beirut: Al-Wafa'.
- Maaref, Mohammad Hadi (1379), Tafsir and Mofsaran, Qom: Institute of Preparation.
- Knowledge, Mohammad Hadi (2005), History of Quran, Tehran, Samat.
- Malhawish, Abdul Qadir (1382 AH), Expression of meanings in the order of revelation, Damascus: Al-Tarqi Press.
- Modab, Seyed Reza (2009), Fundamentals of Quran Interpretation, Qom: Qom University.
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali (2003), Afaq Tafsir; Categories in Interpretation Research, Tehran: Hastinama.
- Nekounam, Jafar (2003), Research in the Mushaf of Imam Ali (AS), Rasht: Mobin Book.
- Nekounam, Jafar (2007), Research Method Based on Islamic Sciences, Qom: Qom University.

